



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

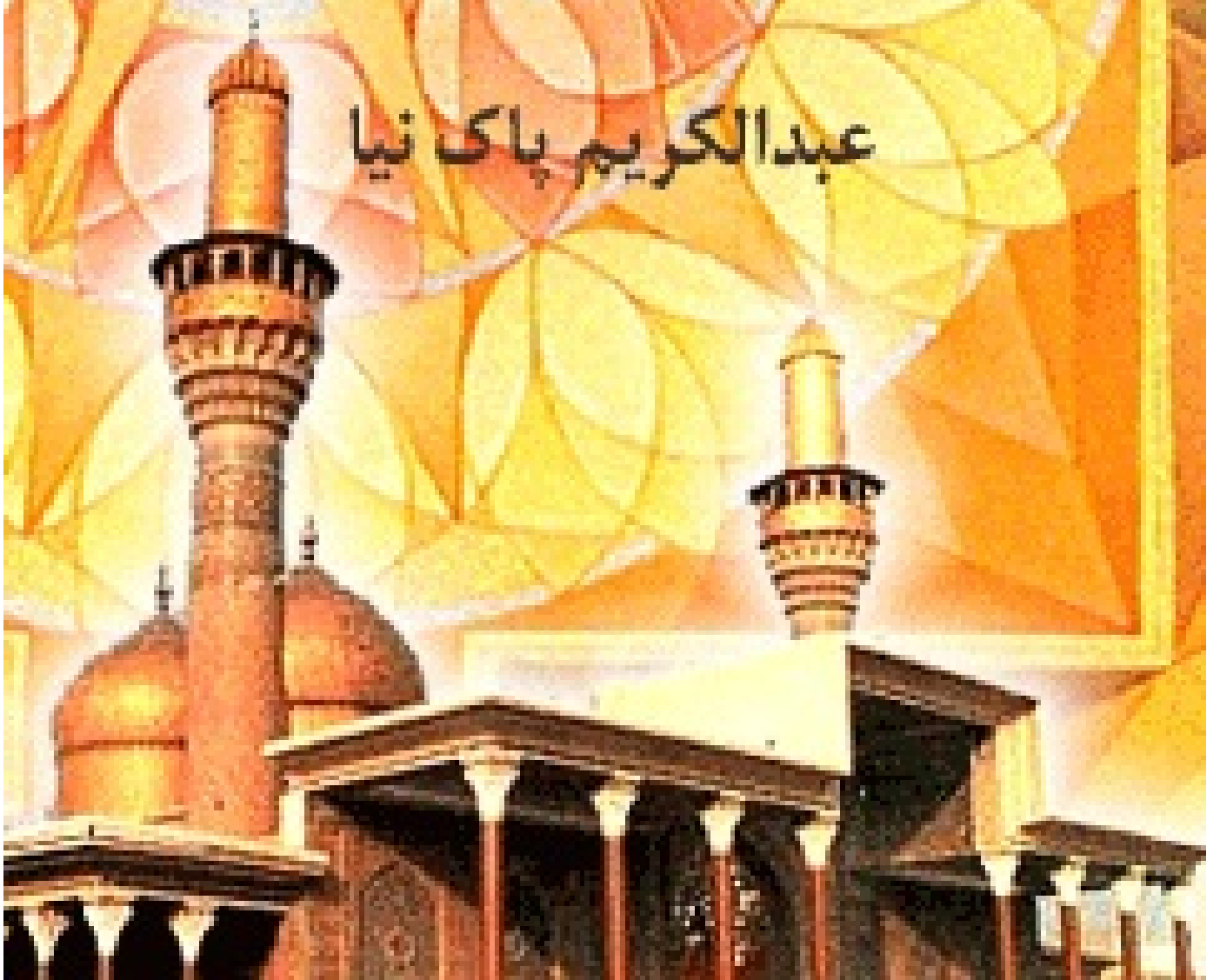


عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام جواد علیہ السلام  
الگوی دانشمندان جوان

عبدالکریم پاک نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام جواد(ع) الگوی دانشمندان جوان

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	امام جواد(ع) الگوی دانشمندان جوان
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	نوجوانی در قله رفیع دانش
۸	جوانان در عرصه تفکر و کسب دانش
۹	گفتار اندیشمندان
۹	دانشمند نوجوان
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام جواد(ع) الگوی دانشمندان جوان

### مشخصات کتاب

عنوان: امام جواد (ع) الگوی دانشمندان جوان  
 پدید آورندگان: پاک نیا، عبدالکریم، ۱۳۴۱- (پدید آور)  
 امام نهم محمد بن علی (ع) (توصیف گر)  
 وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷  
 نوع: متن  
 جنس: مقاله  
 الکترونیکی  
 زبان: فارسی  
 توصیفگر: فضایل اخلاقی [۱]  
 دانشمندان

### مقدمه

پیشوای نهم شیعیان حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) نخستین رهبر الهی است که در میان امامان شیعه در خردسالی مسئولیت مقام رفیع امامت را عهده دار گردید. آن گرامی در سال ۲۰۳ قمری و در سن هفت سالگی بعد از شهادت پدر بزرگوارش این مسئولیت را پذیرفته و عملاً به هدایت و ارشاد مردم پرداخت. در آن هنگام برخی این سؤال را مطرح می کردند که آیا می توان رهبری جامعه را به یک کودک هفت ساله سپرد؟ آیا یک کودک هفت ساله مدیریت، دوران‌دیشی و درایت یک مرد کامل را دارد؟ از منظر باورهای شیعه که موضوع امامت را یک موهبت الهی می داند، پاسخ این پرسش روشن است، چرا که از این دیدگاه خداوند متعال هر کسی را که شایسته‌ی این مقام بدانند، به منصب پیشوایی امت بر می گزیند؛ حتی اگر در سنین کودکی باشد. مقیاس سن بالا، گرچه در میان مردم مقیاسی برای رسیدن به کمال محسوب می شود، اما در بینش وحیانی قرآن ممکن است یک فرد در سن کودکی فضائل و کمالات و شرائط رهبری جامعه را دارا باشد و امتیازات ویژه‌ای را که لازمه‌ی رهبری و امامت و نبوت است در او موجود باشد و خداوند متعال موهبت رسالت و امامت را به او عنایت کند و اطاعت از وی را بر مردم واجب و لازم گرداند. البته خداوند متعال از این طریق می خواهد به مردم بفهماند که مقام نبوت و امامت، که تداوم راه نبوت است، همانند منصب های معمولی نیست که با زمینه ها و شرایط عادی انجام پذیرد، بلکه مقام معنوی نبوت و امامت مافوق این مناصب بوده و زمینه ها و شرایط ویژه ای می طلبد. در عصری که زمینه‌ی امامت پیشوای نهم فراهم آمده بود و آن حضرت در دوران کودکی این منصب آسمانی را عهده دار گردید، از این دست سؤالات زیاد مطرح می شد و پاسخهای مناسب نیز ارائه می گردید. به همین دلیل چون مسئله تقریباً در زمان امام جواد (علیه السلام) حل شده تلقی شده بود، دیگر در مورد امام هادی (علیه السلام) که در سن ۸ سالگی و امام زمان (علیه السلام) که در ۵ سالگی به امامت رسیدند، این پرسشها تکرار نگردید. نقل یکی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است، در اینجا مناسب می نماید: روزی یکی از شیعیان در محضر امام رضا (علیه السلام) پرسید: مولای من! اگر خدای ناکرده برای وجود مقدس شما حادثه ای پیش آید، به چه کسی رجوع کنیم؟ امام رضا (علیه السلام) با کمال صراحت فرمودند: به پسر امیرالمؤمنین (امام جواد علیه السلام). آن مرد از شنیدن این سخن تعجب کرد، چرا که امام نهم (علیه السلام) کودکی

بیش نبود و آن مرد وی را کم سن و سال دید. امام رضا (علیه السلام) از سیمای متعجب و نگاه‌های تردید‌آمیز او، اندیشه ناباورانه اش را دریافت و به او فرمود: ای مرد! خدای سبحان عیسی بن مریم (علیه السلام) را به عنوان پیامبر و فرستاده‌ی خود برگزید و او را صاحب شریعت معرفی کرد، در حالی که خیلی کوچکتر از فرزندم ابوجعفر بود. [۱]. امام هشتم (علیه السلام) برای اثبات امامت حضرت جواد (علیه السلام) و پاسخ به شبهات طرح شده، گاه از آیات قرآن و دلایل تاریخی بهره می‌گرفت و گاهی نیز از تفضلات الهی و تأییدات غیبی استفاده می‌کرد. در این رابطه حسن بن جهم می‌گوید: در حضور امام هشتم (علیه السلام) نشسته بودم که فرزند خردسالمش را صدا کرد. آن سلاله پاک نبوی نیز در پاسخ به ندای پدر به جمع ما پیوست. امام رضا (علیه السلام) لباس آن کودک را کنار زده و به من فرمود: میان دو شانه اش را بنگر! چون به میان دو کتف او نگاه کردم، چشمم به یکی از شانه هایش به مهر امامت افتاد که در میان گوشت بدن قرار داشت. فرمود: آیا این مهر امامت را می‌بینی؟ شبیه همین در روی شانه پدرم نیز وجود داشت. [۲].

### نوجوانی در قله رفیع دانش

امام نهم (علیه السلام) در مقام رهبری امت اسلام، به عنوان الگوی دانشمندان جوان چنان در عرصه‌ی علم و دانش درخشید که دوست و دشمن را به تعجب و شگفتی واداشت. گفتگوها، مناظرات، پاسخ به شبهات عصر، گفتارهای حکیمانه و خطابه‌های آن گرامی، گواه روشنی بر این مدعاست. علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده است که: بعد از شهادت امام هشتم (علیه السلام) ما به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شدیم و آنگاه به محضر امام جواد (علیه السلام) رفتیم. بسیاری از شیعیان نیز در آنجا گرد آمده بودند تا امام جواد (علیه السلام) را زیارت کنند. عبد الله بن موسی عموی حضرت جواد (علیه السلام) که پیرمرد بزرگواری بود و در پیشانی اش آثار عبادت دیده می‌شد، به آنجا آمد و به امام (علیه السلام) احترام فراوانی کرده و وسط پیشانی حضرت را بوسید. امام نهم بر جایگاه خویش قرار گرفت. همه مردم به علت خردسال بودن حضرت با تعجب به همدیگر نگاه می‌کردند که آیا این نوجوان می‌تواند از عهده‌ی مشکلات دینی و اجتماعی مردم در جایگاه رهبری و امامت آنان برآید؟! مردی از میان جمع بلند شده از عبدالله بن موسی، عموی امام جواد (علیه السلام) پرسید: حکم مردی که با چهارپایی آمیزش نموده است چیست؟ و او پاسخ داد: بعد از قطع دست راستش به او حد می‌زنند. امام جواد (علیه السلام) با شنیدن این پاسخ ناراحت شد و به عبدالله بن موسی فرمود: عموجان از خدا بترس! از خدا بترس! خیلی کار سخت و بزرگی است که در روز قیامت در برابر خداوند متعال قرار بگیری و پروردگار متعال بفرماید: چرا بدون اطلاع و آگاهی به مردم فتوا دادی؟ عمویش گفت: سرورم! آیا پدرت - که درود خدا بر او باد - این گونه پاسخ نداده است؟! امام جواد (علیه السلام) فرمود: از پدرم پرسیدند: مردی قبر زنی را نبش کرده و با او درآمیخته است، حکم این مرد فاجر چیست؟ و پدرم در پاسخ فرمود: به خاطر نبش قبر دست راست او را قطع می‌کنند و حد زنا بر او جاری می‌گردد، چرا که حرمت مرده‌ی مسلمان همانند زنده‌ی اوست. عبدالله بن موسی گفت: راست گفتی سرورم! من استغفار می‌کنم. مردم حاضر، از این گفت و شنود علمی شگفت زده شدند و گفتند: ای آقای ما! آیا اجازه می‌فرمایی مسائل و مشکلات خودمان را از محضرتان پرسیم؟ امام جواد (علیه السلام) فرمود: بلی. آنان سی هزار مسئله پرسیدند و امام جواد (علیه السلام) بدون درنگ و با اطمینان کامل همه را پاسخ گفت. این گفتگوی علمی در نه سالگی حضرت رخ داد. [۳]. امام جواد (علیه السلام) در سنین نوجوانی عالم ترین و آگاه ترین دانشمند عصر خود بود و مردم از دور و نزدیک به حضورش شتافته و پاسخ مشکلات علمی خود را از او دریافت می‌کردند. اینک نظر برخی از دانشمندان مخالف و موافق را در این زمینه با هم می‌خوانیم: ابن حجر هیثمی در کتاب الصوائق المحرقة می‌گوید: مأمون او را به دامادی انتخاب کرد، زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت. شبلیجی در نورالابصار آورده است: مأمون پیوسته شیفته‌ی او بود، زیرا با وجود سن اندک، فضل و علم و کمال خود

را نشان داده و برهان عظمت خود را آشکار ساخت. جاحظ معتزلی که از مخالفان خاندان علی (علیه السلام) بود، به این حقیقت اعتراف کرده است که: امام جواد (علیه السلام) در شمار ده تن از «طالبیان» است که هر یک از آنان عالم، زاهد، عبادت پیشه، شجاع، بخشنده، پاک و پاک نهادند و هیچ یک از خاندانهای عرب دارای نسب شریفی همانند امامان شیعه نیست. [۴]. فتال نیشابوری نیز می گوید: مأمون شیفته‌ی او شد، چون مشاهده کرد که آن حضرت با سن کم خود، از نظر علم و حکمت و ادب و کمال عقلی، به چنان رتبه‌ی والایی رسیده که هیچ یک از بزرگان علمی آن روزگار بدان پایه نرسیده اند. [۵]. امام محمد تقی (علیه السلام) خود نیز گاهی به علم و دانشی که خداوند ارزانی اش داشته بود، اشاره کرده و می فرمود: «منم محمد فرزند رضا! منم جواد! منم دانا به نسبه‌ی مردم در صلبها، من داناترین کس هستم که رازهای ظاهری و باطنی شما را می دانم و از آنچه که به سویس روانه هستید آگاهم! این علمی است که خداوند متعال قبل از آفرینش تمامی مخلوقات جهان به ما خانواده عنایت کرده است. این دانش سرشار تا پایان جهان و بعد از فانی شدن آسمان ها و زمین ها نیز باقی خواهد ماند. اگر غلبه اهل باطل و حکومت ناحق گمراهان و هجوم اهل شک و تردید نبود، هر آینه سخنی می گفتم که همه اهل جهان از گذشتگان و آیندگان ناباورانه انگشت حیرت به دهان می گرفتند.» سپس دست مبارک خود را بر دهان گذاشته و فرمود: «یا محمد اصمت کما صمت آباؤک من قبل؛ ای محمد خاموش باش! همچنانکه پدرانت قبل از تو سکوت را برگزیده اند.» [۶]. امام نهم در سن کودکی به امامت رسید و دانش سرشار آن گرامی دوست و دشمن را به حیرت و شگفتی واداشت. بر جوانان مسلمان و مشتاق اهل بیت (علیه السلام) شایسته است که از فرصت جوانی بهره گرفته و در جستجوی دانش با تمام وجود تلاش کنند و رهنمودهای آن امام عزیز در زمینه‌ی علم و دانش را چراغ راه خویش قرار دهند. در اینجا به برخی از رهنمودهای آن حضرت در این زمینه می پردازیم:

### جوانان در عرصه تفکر و کسب دانش

جوانان بر اساس طبیعتی که دارند، برای آشنایی با افکار و اندیشه‌های متفاوت علاقه‌ی شدیدی از خود نشان می دهند. آنان دوست دارند اندیشه‌های نو و متفاوت را بشناسند و از میان آنها آنچه را که به نظر خود بهتر و کارآمدتر تشخیص می دهند انتخاب کنند. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «انما قلب الحدث كالارض الخالیة ما القی فیها من شیء قبلته؛ [۷] دل نوجوان همانند زمین خالی (آماده و مستعد) است و هر اندیشه‌ای که در آن القاء شود، می پذیرد.» بذر دانش یکی از مهم ترین سرمایه‌هایی است که می توان در دل جوان کاشت و آن را بارور نمود. امام جواد (علیه السلام) در پیامی اهمیت علم و دانش را این گونه بیان می کند: «علیکم بطلب العلم فان طلبه فریضه و البحث عنه نافله و هو صلة بین الاخوان و دلیل علی المروءة و تحفة فی المجالس و صاحب فی السفر و انس فی الغربة؛ [۸] بر شما باد کسب دانش! چرا که آن برای همه لازم است و سخن از علم و بررسی آن امری مطلوب (و دوست داشتنی) است. برادران (دینی) را به هم پیوند می دهد و نشانه‌ی (شخصیت والا و) جوانمردی، تحفه‌ی مناسبی برای مجالس، دوست و همراه در سفر و مونس غربت و تنهایی است.» از منظر امام جواد (علیه السلام) شایسته است که یک جوان مسلمان به علم و دانش روی آورد و آن را به عنوان مونس و یار مناسب برای خود برگزیند، دوستان خود را بر اساس بینش و دانش انتخاب کند و شخصیت اجتماعی خود را به وسیله دانش و علم مشخص سازد، برای مجالس و دیدار دیگران علم هدیه برد و در تنهایی و غربت و سفر، علم و دانش را بهترین همسفر و مونس خود بداند، چرا که علم و دانش، سرچشمه‌ی تمام کمالات و ریشه‌ی همه پیشرفتهاست. پیشوای نهم، علم را دو قسمت کرده و می فرمود: «علم و دانش دو نوع است: علمی که در وجود خود انسان ریشه دارد و علمی که از دیگران می شنود و یاد می گیرد. اگر علم اکتسابی با علم فطری هماهنگ نباشد، سودی نخواهد داشت. هر کس لذت حکمت را بشناسد و طعم شیرین آن را بچشد، از پی گیری آن آرام نخواهد نشست. زیبایی واقعی در زبان (و گفتار نیک) است و کمال راستین در داشتن عقل.» [۹]. امام محمد تقی (علیه السلام) علم و دانش را یکی از مهمترین عوامل پیروزی و



رسیدن به کمالات معرفی می‌کرد و به انسان‌های کمال‌خواه و حقیقت‌طلب توصیه می‌نمود که در راه رسیدن به آرزوهای مشروع و موقعیت‌های عالی دنیوی و اخروی از این نیروی کارآمد بهره‌ی لازم را بگیرند. آن گرامی می‌فرمود: «أربع خصالٍ تعین المرء علی العمل: الصحه والغنی و العلم و التوفیق؛ [۱۰] چهار عامل موجب دست‌یابی انسان به اعمال (صالح و نیک) است: سلامتی، توانگری، دانش و توفیق (خداوندی)». با توجه به سخنان آموزنده‌ی امام جواد (علیه السلام) در عرصه‌ی علم و دانش بر همگان و از جمله جوانان لازم است از فرصت جوانی بهره‌گرفته و خود را به این خصلت زیبای انسانی بیاریند و کسب معرفت و علم را سرلوحه‌ی برنامه‌های زندگی خود قرار دهند. علم بال است مرغ جانت را بر سپهر او برد روانت را علم دل را بجای جان باشد سر بی علم بدگمان باشد علم نور است و جهل تاریکی علم، راهت برد به تاریکی علم روی تو را به راه آرد با چراغ به پیشگاه آرد علم را دزد برد نتواند به اجل نیز مرد نتواند نه به میل زمان خراب شود نه به سیل زمین درآب شود

### گفتار اندیشمندان

یک جوان شایسته و هدفمند بر اساس اندیشه‌ها و عواطف خود ممکن است به سوی برخی صاحب‌نظران و اندیشمندان، متمایل شود، به جلسات آنان برود، به سخنرانیهایشان گوش فرا دهد و حرفهایشان را بشنود و بپذیرد. اما در این میان پیروی از گفته‌های آنان، اگر بر اساس حق نباشد، ممکن است انسان را به سوی باطل و راه‌های انحرافی سوق دهد. بنابراین بر یک جوان مسلمان و متعهد زبیده است که تمایلات خود و گفته‌های دیگران را بر اساس اندیشه‌های صحیح و عقلانی بسنجد و راه خود را با معیار حقیقت انتخاب کند. امام جواد (علیه السلام) در این زمینه رهنمود راهگشایی برای همگان دارد. آن گرامی می‌فرماید: «من اصغی الی ناطق فقد عبده فان كان الناطق یؤدی عن الله عز و جل فقد عبد الله و ان كان الناطق یؤدی عن الشیطان فقد عبد الشیطان؛ [۱۱] هر کس به گفتار گوینده‌ای گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است، اگر ناطق از خدای می‌گوید، شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از شیطان بگوید، شنونده نیز به پرستش شیطان پرداخته است.» در اینجا مناسب است که به حکایتی از یک جوان که در راه کسب علم و دانش تلاش نموده و خود را به مقامات عالیه کمال رسانده اشاره‌ای داشته باشیم. چنین حکایاتی این پیام را به ما می‌دهند که اگر جوانان درباره‌ی کسب علم و دانش تلاش کنند می‌توانند سرآمد باشند و بر بزرگترها نیز پیشی گیرند.

### دانشمند نوجوان

هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، مردم از اطراف و اکناف گروه‌گروه، برای عرض تبریک به مرکز خلافت آمده و به حضورش می‌رسیدند. روزی جمعی از اهل حجاز به همین منظور بر او وارد شدند. خلیفه بعد از دیدار ابتدایی متوجه شد که پسر بچه‌ای آماده است تا از میان آن جمع سخن بگوید. خطاب به او گفت: بچه! برو کنار تا یکی بزرگتر از تو صحبت کند پسر نوجوان فوراً گفت: ای خلیفه! اگر بزرگسالی میزان است، پس چرا شما بر مسند خلافت قرار گرفته‌اید؟ با اینکه بزرگتر از شما هم افرادی اینجا هستند؟! عمر بن عبدالعزیز از تیزهوشی و حاضر جوابی او متعجب شده و گفت: راست می‌گویی و حق با توست. اکنون حرف دلت را بزن! آن نوجوان هوشمند گفت: ای امیر! از راه دور آمده ایم تا به شما تبریک بگوییم و منظورمان از این عمل، شکر الهی است که مثل شما خلیفه خوبی را به مردم عطا کرده است، و گرنه مجبور نبودیم به این سفر بیاییم، زیرا نه از تو می‌ترسیم و نه طمع داریم. اما اینکه از تو نمی‌ترسیم برای این است که تو اهل ظلم و ستم بر مردم نیستی و علت اینکه طمع نداریم این است که ما از هر جهت در رفاه و نعمت هستیم. وقتی سخن آن نوجوان تمام شد، خلیفه از او درخواست کرد که وی را موعظه کند. او نیز گفت: ای خلیفه! دو چیز زمامداران را مغرور می‌کند: اول، حلم خداوند و دوم، مدح و چاپلوسی اشخاص از آنها. خیلی مواظب باش که از آنان نباشی، زیرا که اگر از آن عده شدی، لغزش پیدا می‌کنی و در زمره‌ی گروهی قرار می‌گیری که خداوند

متعال در حق آنان فرمود: «ولاتكونوا كالذين قالوا سمعنا و هم لا يسمعون؛ [۱۲] از آن افراد نباشید که ادعای شنیدن می کنند با اینکه نمی شنوند.» در پایان: خلیفه از سن و سال او پرسید و معلوم شد که بیش از دوازده سال ندارد. آنگاه خلیفه او را تحسین کرده و در مورد وی و عظمت علم و دانش او شعری خواند که: تعلم فليس المرء يولدُ عالمًا و ليس أخو علمٍ كمن هو جاهلٌ فان كبير القوم لا علم عنده صغيرٌ اذا التفت عليه المحافلُ «دانش بیاموز، که آدمیزاد دانشمند به دنیا نمی آید و هیچ گاه دانا با نادان هم رتبه نیست. بزرگ قوم، هرگاه دانش نداشته باشد، در مجالس و محافل، کوچک و خوار دیده می شود.»

## پاورقی

- [۱] کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۵۳.
- [۲] ارشاد شیخ مفید، چاپ کنگره، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۱۸.
- [۳] بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۰، ص ۸۵.
- [۴] سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۱ ش، ص ۵۵۵.
- [۵] روضه الواعظین، محمد فتال نیشابوری، نشر رضی، قم، ج ۱، ص ۲۳۷.
- [۶] بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۸.
- [۷] وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البیت (علیه السلام)، قم، ۱۴۰۹ قمری، ج ۲۱، ص ۴۷۸.
- [۸] بحارالانوار، ج ۷، ص ۸۰.
- [۹] کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۹۳.]
- [۱۰] معدن الجواهر، ابوالفتح کراچکی، کتابخانه مرتضویه، تهران، ۱۳۹۴ ق، ص ۴۱.
- [۱۱] سوره انفال، آیه ۲۱.
- [۱۲] المستطرف، محمد بن احمد ابشهی، ج ۱، ص ۱۰۷.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

## ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

